

رضا امیرخانی

قیدار

مرسدس کوپه‌ی کروک آلبالویی متالیک / ۹

تاکسی فیات، کبریتی دو‌یست و دو / ۴۹

اسب اینترنت‌نشال / ۶۱

موتور و سپای فاق‌گلابی / ۹۵

هجده‌چرخ اتاق‌دار / ۱۳۱

پلیموث کورسی سیب‌فروش‌ها / ۱۸۳

اف-هشتاد و پنج عینکی شیشه‌شکسته / ۲۲۹

گاومیش دوازده‌سیلندر / ۲۶۳

براق، مرکبی آسمانی، سپیدرنگ، با گوشه‌ی لوزان و... / ۲۸۹

للاحق

نسبِ نسلِ اول، به "ایمان" برمی‌گردد؛ به ابراهیم حنیف که پدر ایمان بود... پای نسلِ دوم، در "خون" است؛ خونی که می‌رسد به سرخیِ ردِ تیغ بر گلوی اسماعیلِ ذبیح، فرزندِ ابراهیم... اما سرسلسله‌ی نسلِ سوم، قیدارِ نبی، فرزندِ اسماعیلِ نبی، فرزندزاده‌ی ابوالانبیاء، ابراهیم نبی است؛ که خود، صفت‌ش "مدارا"ی با مردمان بود و پدرِ پدرانِ سلسله‌ی خاتمِ انبیاست...

و این نقشی است از قیدار، عملِ بنده‌ی کم‌ترین، رضای امیرخانی

(آن‌چه در این کتاب، از اطعمه و اشربه، از امکانه و ازمنه، آمده است، همه زائیده‌ی ذهنِ نویسنده است. تشابهِ اعلام اتفاقی است. از آفاتختی تا قیدار، هیچ‌کدام از بطنِ عالمِ واقع زائیده نشده‌اند و نخواهند شد!)

اشاره:

رسم‌الخط این کتاب منطبق با دیدگاه مؤلف است.